

بررسی صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی در فرایند شناسایی و اجرای آرای خارجی

رضا مقصودی پاشاکی*

چکیده

رأی صادره از کشور خارجی در صورتی قابل شناسایی و اجراست که دادگاه صادرکننده رأی صلاحیت رسیدگی به دعوی را داشته باشد. صلاحیت در مرحله شناسایی بر اساس معیارهای کشور محل شناسایی مورد سنجش قرار می‌گیرد. مسئله اساسی این است که چه معیاری برای پذیرش صلاحیت دادگاه خارجی در مرحله شناسایی آرا وجود دارد؟ برخی کشورها برای دادگاه خارجی صلاحیتی مشابه صلاحیت دادگاه داخلی قائل هستند. در حالی که برخی دیگر با محدود کردن مصادیق صلاحیت دادگاه خارجی فقط بر اساس معیارهایی مضیق به پذیرش صلاحیت و شناسایی رأی دادگاه خارجی می‌پردازند. در حقوق ایران نیز بدون بیان شرط صلاحیت دادگاه خارجی صرفاً صلاحیت اختصاصی دادگاه ایران به‌عنوان مانع شناسایی قلمداد شده است. این مقاله با روش تحلیلی تطبیقی به بررسی شرط صلاحیت دادگاه خارجی در نظام‌های حقوقی مختلف می‌پردازد. فقدان قواعد صلاحیتی هماهنگ در بین کشورها در موضوع شناسایی رأی دادگاه خارجی، سودمندی رسیدگی قضایی در دعاوی بین‌المللی را با اختلال مواجه می‌نماید و حرکت آزادانه آرا در بین کشورها را ناممکن می‌سازد. ضرورت تأمین انتظارات مشروع اشخاص خصوصی و ایجاد قابلیت پیش‌بینی در روابط فرامرزی اقتضا دارد که مصادیق صلاحیت دادگاه خارجی از پیش تعیین گردد و اصحاب دعوی قبل از آغاز دادرسی از تحقق این شرط برای شناسایی رأی صادره در کشورهای دیگر اطمینان یابند.

واژگان کلیدی: صلاحیت، صلاحیت غیرمستقیم، شناسایی رأی خارجی، قاعده تصویر آینه، کنوانسیون ۲۰۱۹ لاهه

* دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

مقدمه

شناسایی و اجرای احکام خارجی یک عنصر بسیار ضروری و مهم در حقوق بین‌الملل خصوصی است. اعمال صلاحیت قضایی توسط دادگاه یک کشور خاص و اجرای قانون یک کشور خاص در نهایت فایده‌چندانی ندارد، اگر که رأی صادره متعاقباً در کشور محل سکونت یا محل وقوع اموال محکوم‌علیه معتبر و قابل اجرا نباشد.

شناسایی و اجرا از هم متفاوت است. شناسایی اصولاً به این معنی است که رأی خارجی دارای همان اثری تلقی شود که در کشور منشأ خود دارد. در حالی که اجرای رأی خارجی به معنای اطاعت اجباری از طریق ابزارهایی نظیر توقیف مزد در نزد کارفرما، بازداشت، جریمه نقدی، تأمین اموال یا اجرای اجباری رأی است (Svantesson, 2007: 10). بنابراین دادگاه باید رأی خارجی را قبل از اجرا، شناسایی کند. اما نیاز نیست که هر رأی خارجی که شناسایی می‌شود، به مورد اجرا گذاشته شود (Collins et al, 2000: 462). در حقوق داخلی ایران هم تعریف‌های مشابهی وجود دارد: منظور از شناسایی احکام خارجی آن است که از دادگاه یک کشور خواسته شود تا حکمی را که مرجع خارجی صادر کرده است، معتبر تلقی نماید و حال آنکه مراد از اجرای احکام خارجی آن است که از دادگاه یک کشور خواسته شود تا حکمی را که مرجع خارجی صادر کرده است مانند احکام صادره از دادگاه داخلی تلقی کند و دستور اجرای آن را صادر نماید. بنابراین مقصود از شناسایی حکم خارجی اجرای مستقیم هر حکم خارجی نیست بلکه پذیرفتن و معتبر دانستن آن است (الماسی، ۱۳۸۴: ۲۰۶ و ۲۰۷).

صلاحیت قضایی یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل خصوصی است که در تعارض قوانین و شناسایی و اجرای احکام خارجی نیز تأثیرات مهمی به جا می‌گذارد. ابتدا مرجع رسیدگی با توجه به قواعد کشور متبوع خود درباره صلاحیت بین‌المللی دادگاه اظهارنظر می‌کند. این قواعد با وجود برخی انتقادات به‌طور مرسوم به‌عنوان قواعد تعارض دادگاه‌ها شناخته می‌شود (صفایی، ۱۳۸۸: ۱۷۲ و شریعت‌باقری، ۱۳۹۶: ۱۴۳). به‌طور کلی در بحث تعارض صلاحیت دادگاه‌ها، هدف تعیین دادگاه صلاحیت‌دار جهت رسیدگی به یک اختلاف خصوصی بین‌المللی از بین کشورهای است که به نوعی با دعوی یا سبب آن یا دست‌کم یکی از دو طرف دعوی ارتباط دارند (غمامی و صانعیان، ۱۳۹۹: ۱۶۸). سپس دادگاه صالح در مرحله تعارض قوانین با توجه به قواعد حل تعارض کشور متبوع خود به تعیین قانون حاکم می‌پردازد. صلاحیت یکی از شاخصه‌های مهم در شناسایی احکام خارجی نیز هست. زیرا بر طبق حقوق داخلی بسیاری از کشورها و نیز مطابق اسناد بین‌المللی برای شناسایی رأی خارجی لازم است رأی مزبور از دادگاه صلاحیت‌دار صادر

شده باشد. بنابراین اگرچه کشورها در وضع قاعده‌های صلاحیت و تعیین قلمرو نفوذ دادگاه‌های داخلی برحسب ظاهر فعال مایشاء هستند و این قواعد جزو حقوق داخلی و برخاسته از حق حاکمیت کشورهاست، اما کشورهای دیگر در مقام شناسایی و اجرای رأی صادره تکلیفی به اطاعت از این قاعده‌های صلاحیت ندارند و در مقابل اغماض از صلاحیت سرزمینی خود از این فرصت برخوردارند تا صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی را مورد بازنگری قرار دهند و در صورتی که صلاحیت دادگاه خارجی بر قواعدی ناعادلانه و غیرمعارف مبتنی باشد، از تنفیذ و شناسایی رأی صادره خودداری نمایند. این نوع از صلاحیت که در مرحله شناسایی آرای خارجی مطرح می‌شود، به‌عنوان صلاحیت غیرمستقیم^۱ نیز نامیده می‌شود (Ralf Michaels, 2016: 3).

مسئله صلاحیت قضایی و تشتت دولت‌ها در پیرامون آن امروزه به یکی از چالش‌های اصلی در مسیر جهانی شدن و بین‌المللی‌گرایی تبدیل شده است (Wautelet, 2008: 1). سؤال اساسی در این مقاله آن است که معیار صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم چیست و دادگاه محل شناسایی در چه مواردی مجاز یا ملزم به عدم شناسایی حکم خارجی به دلیل فقدان صلاحیت است؟ تعیین صلاحیت دادگاه خارجی از لحاظ رعایت حقوق اشخاص خصوصی در روابط فرامرزی واجد اهمیت است. خواهان بعد از فرایند طولانی دادرسی و صرف وقت و هزینه گزاف موفق به تحصیل رأی شده است. اما اکنون به دلیل عدم شفافیت در قواعد شناسایی احکام خارجی برای استیفای حقوق خود در تعلیق و ابهام به سر می‌برد. این آشفتگی رسالت حقوق بین‌الملل خصوصی در تأمین انتظارات مشروع اشخاص خصوصی و ایجاد ثبات و قابلیت پیش‌بینی در روابط فرامرزی را مورد تهدید قرار می‌دهد و لازم است رویکرد مناسبی برای حل این معضل توسط جامعه بین‌المللی در پیش گرفته شود.

در این مقاله ابتدا قواعد رایج درباره صلاحیت دادگاه خارجی به‌عنوان یکی از شرایط شناسایی آرای خارجی بررسی می‌شود. سپس حقوق داخلی کشورهای مختلف از دو سیستم حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی و نیز حقوق ایران و معیارها و ملاحظات رایج در این کشورها درباره صلاحیت دادگاه خارجی صادرکننده رأی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در پایان اسناد بین‌المللی خصوصاً کنوانسیون ۲۰۱۹ لاهه درباره شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی و تجارتی که محصول آخرین تلاش کنفرانس دائمی بین‌الملل خصوصی لاهه است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه این کنوانسیون و نیز حقوق داخلی برخی کشورها نشان می‌دهد که صلاحیت دادگاه

1. Indirect Jurisdiction

خارجی اولین ملاحظه و دغدغه در فرایند شناسایی حکم خارجی است و لازم است در حقوق ایران نیز مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

۱. بررسی قواعد صلاحیت

صلاحیت با توجه به مباحث شناسایی احکام خارجی به دو نوع صلاحیت مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. وحدت و یکسانی قواعد صلاحیت مستقیم و غیرمستقیم یا تعدد قواعد در این دو بخش در کشورهای مختلف متفاوت است.

۱-۱. صلاحیت مستقیم و صلاحیت غیر مستقیم

اصطلاح صلاحیت مستقیم و صلاحیت غیرمستقیم در حقوق فرانسه رایج است. مسئله صلاحیت دادگاه در دو مرحله مطرح است. مرحله اول در آغاز دادرسی در دادگاه صادرکننده رأی است. دادگاه به دعوی رسیدگی نمی‌کند مگر اینکه در ابتدا صلاحیت خود را احراز نماید. مرحله دوم در هنگام رسیدگی در دادگاه محل شناسایی رأی صادره است. دادگاه مخاطب (محل اجرا) رأی صادره را شناسایی نمی‌کند مگر اینکه احراز نماید دادگاه صادرکننده رأی واجد صلاحیت بوده است. دادگاه محل شناسایی می‌تواند از طریق فرایند شناسایی به‌طور غیرمستقیم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی را کنترل نماید. صلاحیت غیرمستقیم به معنای بازنگری در صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی توسط دادگاه محل شناسایی است. بررسی این صلاحیت یک شرط جهان‌شمول در همه سیستم‌های حقوقی و یک رکن اساسی در همه نظام‌های شناسایی و اجرای احکام به شمار می‌رود (Kessedjian, 1998: 17).

به عبارت دیگر صلاحیت مستقیم به تعیین موارد صلاحیت دادگاه در مقام رسیدگی می‌پردازد. در حالی که قواعد صلاحیت غیرمستقیم به تعیین اوضاع و احوالی می‌پردازد که برحسب آن یک دادگاه خارجی می‌تواند به‌طور مشروعی اعمال صلاحیت نماید. در واقع اگر کشوری احساس کند که یک دادگاه خارجی صلاحیت خود را به‌نحو فوق‌العاده گسترش داده است، نمی‌تواند به‌طور مستقیم مانع اعمال صلاحیت وی شود. اما می‌تواند به‌طور غیرمستقیم با امتناع از شناسایی رأی صادره در دعوی مداخله نماید (Wautelet, 2008: 4). استفاده از صلاحیت غیرمستقیم در کنوانسیون‌های شناسایی و اجرای احکام رایج است. کنوانسیون‌های راجع به شناسایی از قبیل کنوانسیون ۲۰۱۹ لاهه مجموعه‌ای از قواعد صلاحیت را وضع می‌کند. این قواعد برای دادگاه رسیدگی‌کننده الزامی نیست و فقط در صورتی ایفای نقش خواهد کرد که شناسایی رأی صادره در قلمرو دولت دیگر درخواست شود. در این صورت دادگاه محل شناسایی باید بررسی کند که آیا دادگاه مبدا (محل صدور) بر طبق این قواعد واجد صلاحیت بوده است یا خیر.

اما کنوانسیون بروکسل راجع به صلاحیت و اجرای احکام در امور مدنی و تجارتي^۱ مصوب ۱۹۶۸ و مقررات بروکسل یک‌الف درباره صلاحیت و شناسایی و اجرای احکام در امور مدنی و تجارتي^۲ که برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا الزامی است، اصل صلاحیت مستقیم را اعمال کرده است. به طوری که این کنوانسیون و مقررات، قواعدی برای صلاحیت دادگاه‌ها برای رسیدگی به دعوی وضع کرده است. دادگاه محل رسیدگی ملزم به رعایت قواعد صلاحیت مندرج در کنوانسیون است، حتی اگر نیاز به شناسایی رأی صادره در قلمرو دولت دیگر نباشد. از سوی دیگر دادگاه محل شناسایی هم مجاز نیست که صلاحیت دادگاه مبدأ را مورد بازرسی قرار دهد. این سیستم دارای دو مزیت است: اول اینکه با وضع قواعد مشخص برای صلاحیت از خواندگان در مقابل برخی انواع صلاحیت‌های افراطی مندرج در حقوق داخلی کشورها حمایت می‌کند. ثانیاً دادگاه محل شناسایی را از اعمال هرگونه معیار صلاحیتی که برخاسته از اراده قانون‌گذار داخلی است، باز می‌دارد. اما این عیب را هم دارد که با الزام دادگاه رسیدگی‌کننده به رعایت قواعد صلاحیتی مندرج در کنوانسیون بروکسل و مقررات بروکسل یک‌الف موجب ایراد خواندگان به صلاحیت دادگاه و اطاله دادرسی می‌شود (Hartley, 2009: 22). این عیب در مقابل مزایای گسترده که ایجاد سیستم یکپارچه صلاحیت بین‌المللی به ارمغان می‌آورد، چندان قابل‌اعتنا نیست. چراکه ایراد به صلاحیت همواره در جریان دادرسی ولو در مرحله شناسایی توسط اصحاب دعوی محتمل است و کنترل و نظارت بر اعمال صحیح قواعد صلاحیت برای تضمین انجام دادرسی عادلانه ضروری است.

۱-۲. وحدت قواعد صلاحیت یا تنوع قواعد

به زعم برخی نویسندگان معیار اعمال صلاحیت مستقیم و صلاحیت غیر مستقیم یکسان است. یعنی اینکه دادگاه محل شناسایی همان قلمرو و قواعد صلاحیتی خود را برای دادگاه خارجی قائل می‌شود و تنها در مواردی برای دادگاه خارجی قائل به صلاحیت می‌شود که خود نیز در آن مقام واجد صلاحیت باشد. به این نگرش قاعده تصویر آینه^۳ اطلاق می‌شود. در واقع صلاحیت دادگاه

1. 1968 Brussels Convention on jurisdiction and the enforcement of judgments in civil and commercial matters,

[https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/HTML/?uri=CELEX:41968A0927\(01\)&from=LV](https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/HTML/?uri=CELEX:41968A0927(01)&from=LV)

2. Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and of the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters,

<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/ALL/?uri=celex%3A32012R1215>

3. The "Mirror image" Rule

خارجی، آینه صلاحیت دادگاه داخلی کشور محل شناسایی است (Hay, 2018: 115). البته این نوع هماهنگی معمولاً در جایی است که دو نظام حقوقی قرابت و تجانس زیادی با یکدیگر داشته و در رابطه میان آنان اعتماد کامل حکم فرما باشد. به طور مثال در سیستم بین ایالتی در بین دادگاه‌های دو یا چند ایالت و نیز در نظام مقررات بروکسل یک در محیط اتحادیه اروپا این وضعیت صدق می‌کند (Ralf, 2016: 9).

قاعده تصویر آینه در حقوق آلمان پذیرفته شده است. بر طبق حقوق این کشور رأی خارجی در صورتی شناسایی می‌شود که با معیارهای صلاحیت رایج در حقوق آلمان منطبق باشد. در واقع قاعده تصویر آینه، ما را فقط به سوی مطالعه و تمرکز بر روی قواعد صلاحیت مستقیم سوق می‌دهد و قواعد جداگانه‌ای برای صلاحیت دادگاه خارجی ندارد (Wautelet, 2008: 7).

تحقیق انجام شده توسط کارگروه کنوانسیون لاهه در سال ۲۰۱۸ کشورهایی را که از قواعد یکسان برای صلاحیت مستقیم و غیرمستقیم برخوردار هستند و بنابراین به اصطلاح شکاف صلاحیتی ندارند، احصا کرده است: آلبانی، شیلی، رژیم اشغالگر اسرائیل، لوکزامبورگ، آرژانتین، آلمان، ایتالیا، مکزیک، اتریش، یونان، ژاپن، اسلواکی، بلغارستان، مجارستان، کره جنوبی، ایالات متحده، کانادا، ایرلند و لیتوانی. در واقع این کشورها از قاعده تصویر آینه تبعیت کرده‌اند (Brand, 2019: 23).

مطابق گزارش کارگروه کنوانسیون لاهه در برخی کشورها وحدت بین قواعد صلاحیت مستقیم و صلاحیت غیرمستقیم وجود ندارد. در واقع این دسته از کشورها در موارد مشخص قائل به صلاحیت دادگاه خارجی بوده و به طور معمول نسبت به دادگاه‌های داخلی برای دادگاه خارجی صلاحیت کمتری قائل هستند. چنین وضعیتی به عنوان شکاف صلاحیتی یا اعمال صلاحیت تبعیض آمیز موسوم است. این تحقیق نشان می‌دهد که قواعد مستقیم صلاحیت بسیار گسترده‌تر از مبانی غیرمستقیم صلاحیت در کشورهای زیر است: استرالیا، قبرس، دانمارک، مصر، فنلاند، غنا، ایسلند، اندونزی، اردن، قزاقستان، کنیا، نیوزلند، نیجریه، نروژ، سوئد، امارات و انگلیس (Brand, 2019: 24).

در کشور فرانسه از سال ۱۹۸۵ بر طبق رأی دیوان کشور یک معیار بسیار منعطف ایجاد شده است که بر شرط ارتباط میان دعوی و دادگاه محل رسیدگی مبتنی است.^۱ اما این معیار منطقی به تعیین قواعد صریح منتهی نمی‌شود و لازم است در هر دعوی در چهارچوب موضوعی خود به طور جداگانه بررسی شود (Wautelet, 2008: 7).

1. the requirement of a nexus between the claim and the court of origin

۲. صلاحیت دادگاه محل صدور در سیستم‌های حقوقی داخلی

منبع اصلی قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی به‌ویژه در بخش صلاحیت قضایی و شناسایی آرای خارجی، حقوق داخلی کشورهاست. بنابراین در این قسمت از مقاله حقوق کشورهای مختلف از دو سیستم کامن‌لا و رومی‌ژرمنی و همچنین حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. شناسایی و اجرا در انگلیس و ایالات متحده

شناسایی رأی خارجی در حقوق انگلیس تنها در صورتی ممکن است که دادگاه خارجی صادرکننده رأی بر اساس قواعد مورد پذیرش در کشور محل شناسایی دارای صلاحیت باشد. در این چهارچوب، ذکر این نکته ضروری است که آن قواعد صلاحیت که دادگاه‌های انگلیس در رابطه با ادعای صلاحیت دادگاه خارجی مورد پذیرش قرار می‌دهند، با آن مبانی صلاحیت که دادگاه‌های انگلیس خود بر مبنای آن به اعمال صلاحیت می‌پردازند، یکسان نیست (Svantesson, 2007: 131). در انگلیس قواعد صلاحیت مستقیم که مورد اجرا در دادگاه‌های این کشور است، در دستورالعمل اجرایی 6B قرار دارد که به بخش ششم قواعد آیین دادرسی مدنی ۱۹۹۸ دیوان عالی انگلیس و ولز (CPR) ضمیمه شده است.^۱ این دستورالعمل مقرر می‌دارد که دادگاه می‌تواند دستور ابلاغ در خارج از کشور انگلیس در وضعیت‌های خاص صادر کند. این دستورالعمل اجرایی ۲۱ عامل ارتباط را احصا می‌کند که وجود هر یک از آن‌ها می‌تواند ابلاغ در خارج از کشور را توجیه کند و لذا مبنای قابل قبولی برای اعمال صلاحیت بر روی خواننده خارجی باشد. اما وضعیت در زمان ارزیابی صلاحیت دادگاه خارجی و در مقام شناسایی رأی خارجی این‌گونه نیست. در این مورد اخیر دادگاه‌های انگلیس از «قاعده دایسی»^۲ استفاده می‌کنند که در آخرین چاپ کتاب تعارض قوانین وی وجود دارد. این معیار تنها ۴ مبنا برای صلاحیت غیرمستقیم پیش‌بینی کرده است: محکوم‌علیه در کشور محل دادرسی در زمان اقامه دعوی حضور داشته باشد. محکوم‌علیه همان خواهان دعوای اصلی یا خواهان دعوی متقابل باشد. خواننده به‌طور ارادی در دادگاه حضور یافته و به صلاحیت دادگاه رضایت داده باشد. طرفین قبل از طرح دعوی بر صلاحیت دادگاه خارجی تراضی کرده باشند (Brand, 2019: 29). در واقع غیر از مبنای اول که حضور در کشور محل رسیدگی است، سایر مبانی صلاحیت به توافق یا رضایت محکوم‌علیه مبتنی است. زیرا او بر

1. Practice Direction 6B which accompanies Part 6 of the Civil Procedure Rules 1998 of the Supreme Court of England and Wales (CPR),

https://www.justice.gov.uk/courts/procedure-rules/civil/rules/part06/pd_part06b

2. The Dicey Rule

اساس توافق نامه قبلی، صلاحیت دادگاه خارجی را پذیرفته است یا در عمل با طرح دعوی اصلی یا طرح دعوی تقابل به صلاحیت دادگاه خارجی رضایت داده است. این رویه در انگلیس و برخی دیگر از کشورهای کامن لا مورد انتقاد برخی نویسندگان قرار گرفته است: «منطقی به نظر می‌رسد که دولت‌ها برای دادگاه‌های خارجی همان صلاحیتی را بپذیرند که برای خود متصور هستند» (Vischer, 1992: 238). در مقابل برخی دیگر این تبعیض و تفاوت را بر مبنای ملاحظات و روابط سیاسی توجیه می‌کنند: وقتی به مسئله صلاحیت در چهارچوب روابط سیاسی نگریسته شود، معیارهای شناسایی احکام خارجی نمی‌تواند از همان مبنایی نشئت بگیرد که یک دولت برای ایجاد صلاحیت قضایی مستقیم قائل شده است (Von Mehren, 1980: 58).

در ایالات متحده، آرای دادگاه‌های خارجی در این کشور نسبت به آرای ایالات متحده در سایر کشورها مورد استقبال گرم‌تری قرار می‌گیرند. با این حال، حتی اگر این استقبال و اشتیاق صحیح باشد، فقط نسبت به آرای کشورهای دارای فرهنگ حقوقی مشترک با ایالات متحده صدق می‌کند. به همین دلیل اولین مورد شناسایی یک رأی صادره از دادگاهی در کشور چین در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان یک نقطه عطف تلقی شد (Regan, 2015: 78).

ایالات متحده عضو هیچ معاهده دوجانبه یا کنوانسیون چندجانبه راجع به شناسایی احکام خارجی نیست (Feldman, 2014: 2191). هیچ قانونی در سطح فدرال، شناسایی یا اجرای آرای قضایی خارجی را ممنوع نمی‌کند. اما از سوی دیگر هیچ قانونی مبنی بر الزام به شناسایی نیز وجود ندارد. با فقدان قوانین ملی یا معاهدات لازم‌الاجرا، مسئله شناسایی احکام خارجی به حقوق کامن لا یا قوانین ایالتی واگذار شده است (Balan, 2003: 234).

شرح جدید حقوقی (ویرایش سوم)^۱ در مورد حقوق روابط خارجی ایالات متحده در بخش ۴۸۲ اظهار می‌دارد که «دادگاه ایالات متحده ممکن است از شناسایی رأی دادگاه یک کشور خارجی خودداری کند، اگر که آن رأی بر طبق یک سیستم قضایی صادر شده باشد که [...] انجام

1. Restatements(third)

شرح جدید حقوقی مجموعه ای از اصول یا قواعد مربوط به یک حوزه خاص از حقوق را بیان می‌کند. آنها منابع ثانوی حقوقی هستند که توسط موسسه حقوق آمریکا (ALI) برای شفاف سازی حقوق این کشور نوشته و منتشر شده اند. در حال حاضر شرح جدید حقوقی برای بیست حوزه حقوقی از قبیل قراردادها، قانون حاکم و مسئولیت مدنی وجود دارد:

<https://thealiadviser.org/inside-the-ali-posts/the-restatements-first-second-third/>

دادرسی منطبق با فرایند صحیح قانونی^۱ را تأمین نمی‌کند.» این قاعده از یک سو محدودیت‌هایی را بر نوع آرای قابل شناسایی تحمیل می‌کند، اما از سوی دیگر امکان شناسایی گسترده آرای خارجی را باز می‌گذارد (Svantesson, 2007: 157).

شرط فرایند صحیح قانونی در اصلحیه چهاردهم قانون اساسی ایالات متحده پذیرفته شده است و در مسائل متعدد آیین دادرسی از قبیل صلاحیت اعمال می‌شود. برطبق این اصلحیه هیچ ایالتی نمی‌تواند شخصی را از حق حیات، آزادی یا اموال خود بدون «فرایند صحیح قانونی» محروم کند.^۲ همین نکته یکی از وجوه تفاوت ایالات متحده با سایر کشورها در مسئله صلاحیت بین‌المللی است. در ایالات متحده صلاحیت یک مسئله حقوق اساسی است و پذیرش یا نفی صلاحیت دادگاه خارجی علاوه بر معیارهای مقرر در حقوق ایالتی، بر اساس معیارهای حقوق اساسی مورد سنجش قرار می‌گیرد (Strong, 2014: 14).

آیین دادرسی برای شناسایی آرا، ساده اما تناظری است. به این مفهوم که محکوم‌علیه رأی خارجی در ابتدا توسط دادگاه محل شناسایی احضار می‌گردد. محکوم‌علیه می‌تواند به‌عنوان دفاع به فقدان صلاحیت دادگاه خارجی صادرکننده رأی مورد نظر استناد کند. در ایالات متحده، سیاست فدرال در اجرای آرای خارجی به سیاست‌های خاص ایالت اجراکننده تفوق دارد. به محض اینکه دادگاه محل شناسایی، رأی خود را مبنی بر تجویز اجرای رأی خارجی اعلام کند، رأی خارجی با رأی داخلی متضمن دستور اجرا، ادغام‌شده محسوب می‌شود (Svantesson, 2007: 158).

رأی قابل اجرا در ایالات متحده باید توسط دادگاهی صادر شده باشد که در آن موضوع طبق آنچه دادگاه‌های آمریکا در چهارچوب شناسایی و اجرای آرای خارجی می‌پندارند، دارای صلاحیت مناسب باشد. حقوق موضوعه کالیفرنیا (قانون شناسایی یکنواخت رأی خارجی محکومیت پولی)^۳ که بر مقررات ایالت‌های دیگر بسیار تأثیرگذار بوده است، وجود صلاحیت مناسب را بر طبق قواعد زیر تعیین می‌کند:

۱. به شخص خوانده در کشور خارجی ابلاغ شده باشد. ۲. خواننده به‌طور ارادی در دادرسی حضور یابد. به استثنای جایی که او به‌منظور حمایت از اموال توقیف شده یا در خطر توقیف یا برای اعتراض به صلاحیت دادگاه در دادرسی حضور یابد. ۳. خواننده قبل از شروع دادرسی، بر

1. Due process of Law

2. ...nor shall any state deprive any person of life, liberty, or property, without due process of law....

3. Uniform Foreign Money – Judgment Recognition Act, California Statutes

صلاحیت دادگاه خارجی در رابطه با مسئله مطروحه توافق کرده باشد. ۴. خواننده در هنگام اقامه دعوی در کشور خارجی مقیم باشد. یا در صورتی که شخص حقوقی است، محل اصلی تجارتی آن در کشور خارجی بوده، در آنجا تشخیص یافته یا اینکه به نحو دیگری در کشور خارجی مویعت شخص حقوقی را به دست آورده باشد. ۵. خواننده در کشور خارجی دارای دفتر تجارتی بوده و دعوی مطروحه در کشور خارجی متضمن سببی باشد که از فعالیت تجارتی خواننده از طریق آن دفتر در کشور خارجی حاصل شده باشد؛ یا ۶. خواننده یک وسیله نقلیه موتوری یا یک هواپیما را در کشور خارجی به کار انداخته و دعوی متضمن سببی باشد که از چنین کاری ناشی شده باشد. به علاوه دادگاه می تواند مبانی دیگری را هم برای صلاحیت به رسمیت بشناسد.

بر طبق ماده ۴ (۲) قانون متحدالشکل ۲۰۰۵ راجع به شناسایی آرای پولی کشور خارجی، یکی از قواعد آمره برای عدم شناسایی این است که دادگاه خارجی واجد صلاحیت شخصی بر روی خواننده نباشد.^۱ دادگاه های ایالات متحده این ماده را چنان تفسیر می کنند که دادگاه خارجی باید بر طبق معیارهای ایالات متحده درباره صلاحیت شخصی واجد صلاحیت باشد. این بدان معناست که اگر عناصر مطروحه در نزد دادگاه خارجی در وضعیت مشابه موجب صلاحیت مستقیم دادگاه آمریکا شود، در این صورت دادگاه آمریکا نسبت به پذیرش شناسایی اقدام می کند. لذا هیچ تفاوتی بین معیارهای صلاحیت مستقیم و معیارهای صلاحیت غیرمستقیم وجود ندارد. بنابراین قاعده تصویر آینه در حقوق این کشور پذیرفته شده است (Svantesson, 2007: 158).

در ایالات متحده برخی نویسندگان از اعمال قاعده تصویر آینه که مستلزم بازنگری در صلاحیت دادگاه خارجی بر اساس قواعد آمریکایی صلاحیت است، انتقاد کرده و اظهار داشته اند که برخی دادگاه ها این قاعده را بدون تبیین منطقی آن به کار برده اند بدون اینکه ضرورت آن بر طبق قوانین متحدالشکل ایالتی و حقوق اساسی توجیه شود. ایشان به جای قاعده مزبور شکلی از معیار فرایند صحیح (دادرسی عادلانه) بین المللی را پیشنهاد کرده اند که به ضرورت های انصاف در سطح فراملی توجه کرده و نسبت به صلاحیت دادگاه خارجی اعمال می شود (Feldman, 2014: 2194).

بررسی حقوق دو کشور حوزه کامن لا نشان می دهد که هر دو کشور شرط صلاحیت دادگاه خارجی را به عنوان یکی از معیارهای اصلی برای شناسایی آرای خارجی اعمال می کنند. اما هر

1. 4. (a) A foreign judgment is not conclusive if ...

(2) The foreign court did not have personal jurisdiction over the Defendant...

<https://law.justia.com/codes/california/2005/ccp/1713-1713.8.html>

کدام از ضوابطی کاملاً متفاوت برای احراز صلاحیت دادگاه خارجی بهره می‌گیرند. به طوری که در انگلیس قواعد صلاحیت بین‌المللی برای دادگاه انگلیسی به صورت موسع و برای دادگاه خارجی - در مقام شناسایی احکام - به صورت مضیق اعمال می‌شود. در حالی که در ایالات متحده با وجود برخی انتقادات با استفاده از معیار تصویر آینه، قواعد یکسانی برای صلاحیت دادگاه داخلی و نیز دادگاه خارجی به کار می‌رود. یعنی کافی است دادگاه ایالات متحده در همان موضوع در وضعیت متقابل خود را برای رسیدگی واجد صلاحیت بدانند.

۲-۲. شناسایی و اجرا در آلمان و فرانسه

آلمان عضو دسته‌ای از کنوانسیون‌های مربوط به شناسایی و اجرای احکام است. خارج از تعهدات ناشی از کنوانسیون، آرای خارجی می‌تواند بر طبق قواعد مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی آلمان (ZPO) مخصوصاً ماده ۳۲۸ و نیز مواد ۷۲۲ و ۷۲۳ شناسایی و اجرا شود. بررسی مجدد و بازنگری در صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی به طور کلی در کشور آلمان یک قاعده است و برای حمایت از خواننده در مقابل دادرسی در یک دادگاه نامناسب وضع شده است (Svandze, 2009: 25). ماده ۳۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی آلمان مجموعه‌ای از شرایط را احصا می‌کند که تحقق آن برای شناسایی یک رأی خارجی در آلمان ضروری است. نخست اینکه دادگاه صادرکننده رأی باید برای رسیدگی به دعوی صلاحیت قضایی بین‌المللی داشته باشد.^۱ در آلمان قانون‌گذار صلاحیت بین‌المللی را تعریف نکرده است و مجال تفسیر برای رویه قضایی آلمان باز مانده است. در نگرش حقوق آلمان قواعد داخلی صلاحیت به دعوی بین‌المللی توسعه یافته است. باید متذکر شد که دادگاه‌های آلمان در این موضوع نسبت به دادگاه‌های کشورهای کامن‌لا و به طور خاص انگلیس دارای تنگ‌نظری کمتری هستند. به منظور شناسایی یک رأی خارجی، دادگاه خارجی محل صدور رأی در صورتی صلاحیت بین‌المللی دارد که در وضعیت مشابه قابل طرح در دادگاه آلمان، این دادگاه واجد صلاحیت باشد (Svantesson, 2007: 181).

با توجه به قواعد صلاحیت مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی آلمان از آنجا که برخی انواع صلاحیت رایج در ایالات متحده مثل صلاحیت عبوری^۱، معیار حداقل تماس^۱ یا زوال حجاب

1. ZPO, s 328(1)(1). Section 328 Recognition of foreign judgments

(1) Recognition of a judgment handed down by a foreign court shall be ruled out if: 1. The courts of the state to which the foreign court belongs do not have jurisdiction according to German law....., available at:

https://www.gesetze-im-internet.de/englisch_zpo/englisch_zpo.html

2. Transient Jurisdiction

شرکت^۲ در کشور آلمان پذیرفته نیست، لذا آرای دادگاه‌های ایالات متحده مبتنی بر این قواعد در کشور آلمان قابل شناسایی نیست (Svandze, 2009: 25).

در کشور فرانسه صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم مهم‌ترین شرط شناسایی آرای خارجی است. این نوع صلاحیت که در فرانسه صلاحیت بین‌المللی یا صلاحیت عام خوانده می‌شود، بر طبق حقوق فرانسه احراز می‌شود. دیوان کشور فرانسه در سال ۱۹۸۵ اذعان نمود که اگر یک رابطه واقعی میان دعوی و کشور خارجی وجود داشته باشد، دادگاه خارجی واجد صلاحیت محسوب می‌شود.^۳ اما همچنان یک استثنای مهم وجود دارد و آن اینکه دعوی نباید در صلاحیت انحصاری دادگاه فرانسه باشد. منظور آن است که دادگاه فرانسه از اجرای حکم خارجی صادره در دعوی که در صلاحیت انحصاری دادگاه فرانسه است، خودداری می‌کند. رویه قضایی فرانسه صلاحیت مبتنی بر مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی را از موارد صلاحیت انحصاری می‌دانست. یعنی حکم صادره علیه طرف فرانسوی در فرانسه قابل اجرا نبود. مگر اینکه طرف فرانسوی صلاحیت دادگاه خارجی را قبول کرده باشد (الماسی، ۱۳۸۴: ۲۱۰). در واقع در موضوع صلاحیت بین‌المللی، قانون مدنی فرانسه دو تضمین به اتباع فرانسوی اعطا کرده است. نخست بر طبق ماده ۱۴ قانون مدنی دادگاه‌های فرانسه نسبت به دعاوی‌ای که تبعه فرانسه خواهان دعوی است، دارای صلاحیت هستند حتی اگر خواننده تبعه فرانسه نبوده یا در فرانسه سکونت نداشته باشد و حتی اگر خواننده این تعهدات را در خارج از فرانسه متقبل شده باشد. دوم مطابق ماده ۱۵ قانون مدنی دادگاه‌های فرانسه در آن دعاوی که خواننده دعوی یک تبعه فرانسه است، دارای صلاحیت هستند.

اما دیوان کشور فرانسه در تصمیمات خود در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ دیدگاه آزادانه‌تری اتخاذ کرد. در دعوی Prieu^۴ دیوان کشور مقرر نمود که ماده ۱۵ قانون مدنی فقط صلاحیت غیرانحصاری برای دادگاه‌های فرانسه ایجاد می‌کند. رد کردن صلاحیت دادگاه خارجی در صورتی که دعوی به‌طور ذاتی با کشور محل رسیدگی مرتبط بوده و طرح دعوی در آن محل تصنعی و ساختگی نباشد، مناسب نیست. یک سال بعد دیوان کشور در سال ۲۰۰۷ همین تفسیر را نسبت به ماده ۱۴ قانون مدنی مقرر^۵ و اعلام کرد که این ماده به دادگاه فرانسه نسبت به خواهان فرانسوی صلاحیت اختصاصی اعطا نمی‌کند. بنابراین مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی فرانسه به اتباع فرانسوی اختیار

1. Minimum Contact

2. Piercing the Corporate Veil

3. Simitch v. Fairhusrt, Cass. Civ. 1st, Feb. 6, 1985, Simitch, Bull., I, N°55, N°83-11241

4. Cass. civ. 1st, May 23, 2006, Prieur, Bull., I, N°254, N°04-12777

5. Cass. civ. 1st, May 22, 2007, Fercometal, Bull., I, N°195, N°04-14716.

دسترسی غیرانحصاری به دادگاه‌های فرانسه اعطا می‌کند (West Janke, 2012: 788). بدین ترتیب در صورتی که دادگاه آلمان یا فرانسه در مقام بررسی شناسایی رأی خارجی در چهارچوب مقررات اتحادیه اروپا باشد، با توجه به اینکه معیارهای صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی که در کنوانسیون بروکسل و مقررات بروکسل یک‌الف تصریح شده است، دادگاه و نیز اصحاب دعوی مسیر روشنی برای پیش‌بینی نتیجه و پذیرش دعوی شناسایی در پیش دارند. در جایی که رأی دادگاه خارجی در کشوری بیرون از کنوانسیون بروکسل و خارج از اتحادیه اروپا صادر شده باشد، حقوق آلمان صلاحیتی یکسان برای دادگاه آلمان و دادگاه خارجی قائل می‌شود و حقوق فرانسه بر حسب تحول رویه قضایی صلاحیت دادگاه خارجی را بر مبنای ارتباط واقعی میان دعوی و کشور محل رسیدگی مورد پذیرش قرار داده و از قواعد افراطی صلاحیت انحصاری که مبتنی بر تابعیت فرانسوی بود، صرف‌نظر کرده است.

۲-۳. صلاحیت غیرمستقیم در حقوق ایران

ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی در مقام بیان شرایط شناسایی احکام خارجی در بندهای ۶ و ۷ به موضوع صلاحیت قضایی وارد شده است. در صورتی حکم صادره از دادگاه خارجی قابل اجراست که اولاً رسیدگی به موضوع مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد. ثانیاً حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد. صلاحیت انحصاری از مسائل مربوط به نظم عمومی است و توافق برخلاف آن برطبق ماده ۹۷۵ قانون مدنی بلااثر است. به‌خصوص که در حقوق داخلی هم توافق طرفین نمی‌تواند مبنای صلاحیت دادگاه به‌ویژه صلاحیت ذاتی قرار گیرد (کریم‌کاشی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). اما سؤال قابل طرح این است که رسیدگی به چه اموری اختصاص به دادگاه‌های ایران دارد و در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران است؟ در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین به مصادیق صلاحیت انحصاری تصریح نشده است. مهم‌ترین مصداق صلاحیت انحصاری حقوق راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران است که در بند ۷ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی به‌طور جداگانه ذکر شده است. به نظر برخی نویسندگان منظور از کنترل صلاحیت دادگاه خارجی بررسی قواعد صلاحیت داخلی از قبیل صلاحیت محلی کشور محل رسیدگی نیست (شریعت باقری، ۱۳۹۶: ۱۸۹). زیرا بررسی مراعات قواعد داخلی کشور خارجی در صلاحیت دادگاه ایرانی قرار ندارد و این بازرسی باید بر طبق سلسله‌مراتب قضایی کشور محل صدور رأی توسط دادگاه‌های عالی همان کشور انجام گیرد. ایشان بعد از تأکید بر کنترل صلاحیت بین‌المللی دادگاه خارجی با استناد به ماده ۹۷۱ قانون مدنی چنین نتیجه گرفته‌اند که دادگاه‌های ایران باید صلاحیت دادگاه خارجی را بر اساس قوانین

همان کشور مورد سنجش قرار دهند (شریعت‌باقری، ۱۳۹۶: ۱۹۰). اما برخلاف این دیدگاه، صلاحیت دادگاه خارجی مطابق حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و طبق مقررات ناظر به صلاحیت بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد (مافی و قادری، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

با توجه به مباحث صلاحیت بین‌المللی بررسی صلاحیت دادگاه خارجی در مقام شناسایی نه در اسناد بین‌المللی و نه در قوانین کشورهای مورد مطالعه بر اساس قوانین کشور صادرکننده حکم انجام نمی‌گیرد بلکه لازم است قوانین کشور محل شناسایی خود درباره صلاحیت بین‌المللی دادگاه خارجی اظهار نظر کنند. اعم از اینکه صلاحیتی همانند یا کمتر از دادگاه‌های داخلی خود برای کشور خارجی قائل شوند. در واقع ماده ۹۷۱ قانون مدنی در مقام اعمال صلاحیت مستقیم برای رسیدگی به یک دعوی دارای عنصر خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد و این نافی کنترل دوباره صلاحیت در مقام شناسایی رأی خارجی توسط دادگاه محل شناسایی (بر طبق قواعد صلاحیت بین‌المللی رایج در کشور محل شناسایی) نیست. همان طور که در این مقاله ملاحظه شد همه کشورهای مورد مطالعه در اصل بررسی صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی بر طبق قواعد صلاحیت بین‌المللی کشور محل شناسایی اتفاق نظر داشته‌اند.

برخی دیگر از نویسندگان بر سنجش صلاحیت دادگاه خارجی مطابق قوانین ایران اذعان نموده‌اند (ارفع‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۵۸)، ولی در مورد مصادیق صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های ایران موضوع بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی با ارائه تفسیری گسترده از صلاحیت اختصاصی تصریح نموده‌اند که اگر طبق قوانین ایران، رسیدگی به دعوی در صلاحیت دادگاهی ایرانی باشد، دادگاه خارجی صادرکننده حکم از نظر مقررات ایران خارج از صلاحیت خود عمل کرده است (ارفع‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۵۸). برخی دیگر اذعان نموده‌اند که از تدقیق در مواد قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران را به ترتیب شامل دادگاه اقامتگاه خواننده، دادگاه محل وقوع مال غیر منقول، دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی یا محل سکونت متوفی در ایران و دادگاه اقامتگاه شخص متوقف یا ورشکسته یا دادگاه محل استقرار شعبه یا نمایندگی شخص متوقف یا ورشکسته احصا کرد (مافی و ادبی فیروزجایی، ۱۳۹۳: ۶۰). برخی دیگر، اصل را بر غیرانحصاری بودن صلاحیت دادگاه‌های ایران قرار داده‌اند (شریعت‌باقری، ۱۳۹۶: ۱۹۱). اصل غیرانحصاری بودن صلاحیت که متضمن پذیرش صلاحیت متقارن برای دادگاه‌های خارجی است در برخی آثار دیگر در خارج از ایران نیز بیان شده است (Wautelet, 2008: 5).

نویسندگان دیگری نیز بند هفتم ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی را از مصادیق بند ششم دانسته‌اند و در توضیح بند ششم تصریح نموده‌اند که منظور دعوایی است که یا طرفین آن برحسب

قاعده آزادی اراده با یکدیگر توافق کرده‌اند که رسیدگی به اختلاف میان آنان در صلاحیت دادگاه‌های ایران باشد و یا قانون رسیدگی به آن را در صلاحیت این دادگاه‌ها شناخته است. مانند رسیدگی به دعاوی راجع به اموال غیرمنقول. لذا اگر دعوی در دادگاه ایران و نیز دادگاه کشور خارجی قابل طرح باشد. مانند دعوی راجع به عقود و قراردادها که در چند محل جغرافیایی قابل اقامه است. اگر این دعوی در دادگاه کشور دیگری مطرح و به رأی قطعی منتهی شود، می‌توان در صورت اجتماع شرایط لازم دستور اجرای آن را در ایران صادر کرد (سلجوقی، ۱۳۸۵: ۵۵۱).

با توجه به اصل غیرانحصاری بودن صلاحیت، امتناع از شناسایی رأی خارجی به عذر صلاحیت اختصاصی دادگاه ایرانی نیازمند مصادیق منصوص در قوانین موضوعه است و نمی‌توان همه قواعد صلاحیت در قانون آیین دادرسی مدنی را به‌عنوان صلاحیت اختصاصی تلقی نمود. اگر همه قواعد صلاحیت مذکور در این قانون را مصداق بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی و جزو صلاحیت اختصاصی دادگاه‌های ایران بدانیم، تقریباً در همه موارد باب شناسایی رأی خارجی مسدود خواهد شد. زیرا قانون آیین دادرسی مدنی اسباب صلاحیت گسترده‌ای برای دادگاه‌های ایرانی پیش‌بینی کرده است. از محل اقامت و سکونت خواننده تا محل وقوع عقد یا اجرای تعهد و حتی محل اقامت خواهان جزو قواعد صلاحیت دادگاه ایرانی است. در سایر سیستم‌های حقوقی هم صلاحیت انحصاری به‌عنوان مانع شناسایی چنین تفسیر گسترده‌ای ندارد. از سوی دیگر اگر با تکیه بر استثنایی بودن صلاحیت اختصاصی، فقط بر محل وقوع مال غیرمنقول اکتفا کنیم با گشاده‌دستی راه را بر اعمال صلاحیت گسترده توسط دادگاه خارجی باز کرده‌ایم بدون اینکه مجالی برای کنترل صلاحیت دادگاه خارجی در مرحله شناسایی آرا وجود داشته باشد. خصوصاً اینکه در ایران دادگاه محل شناسایی از تجدیدنظر ماهوی خودداری کرده و بدون برگزاری جلسه رسیدگی و استماع اظهارات طرفین در وقت اداری فوق‌العاده نسبت به بررسی درخواست شناسایی رأی خارجی اقدام می‌کند. بنابراین لازم است قواعد مشخصی برای صلاحیت دادگاه خارجی پیش‌بینی شود تا با تأمین منافع متضاد طرفین دعوی و تسهیل رسیدگی به دعوی شناسایی، ثبات و قابلیت پیش‌بینی برای طرفین رابطه خصوصی تأمین گردد.

شایان ذکر است که دولت ایران معاهداتی دوجانبه با برخی کشورها برای معاضدت قضایی در امور مدنی و تجاری منعقد نموده است. در برخی از این معاهدات که به شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه خارجی پرداخته‌اند، فقدان صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم از موانع اصلی شناسایی رأی خارجی است. در ماده ۳۳ قانون موافقت‌نامه همکاری قضایی بین دولت ایران و جمهوری سوریه مصوب ۱۳۸۱، همچنین در ماده ۲۲ قانون معاهده معاضدت قضایی بین دولت

ایران و جمهوری خلق چین مصوب ۱۳۹۶ مصادیق صلاحیت دادگاه‌های هر یک از دو کشور پیش‌بینی شده است. به این ترتیب اصحاب دعوی پیشاپیش با توجه به مصادیق صلاحیت مقرر در این معاهدات از امکان شناسایی رأی یک کشور در خاک دولت مقابل اطمینان می‌یابند.

۳. صلاحیت دادگاه محل صدور در اسناد بین‌المللی

درباره شناسایی آرای داوری خارجی اسناد بین‌المللی بسیار موفق‌تری از حیث عضویت کشورهای مختلف در پیرامون منعقد شده است. کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی راجع به داوری دو تعهد مهم بر دوش کشورهای عضو قرار داده است: تعهد به شناسایی و اجرای موافقت‌نامه‌های داوری و تعهد به شناسایی و اجرای آرای داوری (بهمئی و صلحی، ۱۴۰۰: ۱۰۷ و ۱۰۸). اما درباره آرای صادره از دادگاه‌های خارجی چنین موفقیتی حاصل نشده است. کنوانسیون ۱۹۷۱ لاهه درباره شناسایی و اجرای آرای خارجی در امور مدنی و تجاری^۱ و پروتکل آن در همان سال تلاشی برای ایجاد یک سیستم چندجانبه درباره آرای قضایی بود. این اسناد تاکنون فقط توسط پنج کشور به تصویب رسیدند. (آلبانی، قبرس، کویت، هلند و پرتغال) برخی کشورهای دارای قرابت‌های اجتماعی و سیاسی به‌جای تصویب معاهده جهان‌شمول به تصویب و اجرای اسناد منطقه‌ای روی آوردند که در این بین کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸ و مقررات بروکسل یک‌الف اتحادیه اروپا به موفقیتی چشمگیر دست یافت. از سوی دیگر کنفرانس حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه بار دیگر برای تصویب و اجرای یک معاهده جهان‌شمول درباره شناسایی آرای قضایی خارجی تلاش نمود که ماحصل آن کنوانسیون ۲۰۱۹ لاهه است.

۳-۱. سیستم متحدالشکل اتحادیه اروپا

در سیستم متحدالشکل اتحادیه اروپا، شناسایی رأی مستلزم آن است که دادگاه صادرکننده صلاحیت معتبری داشته باشد؛ اما معیار ارزیابی صلاحیت دادگاه صادرکننده به وسیله اجزای سیستم (هر یک کشورهای عضو در اتحادیه اروپا) تعریف نمی‌شود بلکه به‌طور متمرکز تعیین می‌گردد. در اتحادیه اروپا، فصل دوم مقررات بروکسل یک‌الف تحت عنوان صلاحیت، انواع صلاحیت قابل اعمال علیه خواننده در یک کشور عضو را مشخص کرده است. در بند ۲ ماده ۵ این مقررات، همه قواعد دیگر که بر طبق قانون ملی قابل استفاده بوده است، به‌عنوان قواعد افراطی طرد شده است.^۲ در ارتباط با خواننده‌ای که در یک کشور عضو اقامت ندارد، در چهارچوب استثنائات

1. Hague Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil and Commercial Matters. 1, 1971, 1144 U.N.T.S. 249.

2. "In particular, the rules of national jurisdiction of which the Member States are to notify

مندرج در بند یک ماده ۶ این مقررات^۱ همچنان دادگاه‌های ملی کشورهای عضو اتحادیه اروپا از معیارهای رایج در کشور محل دادگاه استفاده می‌کنند.

تفاوت اساسی بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا درباره چگونگی طرح دفاع فقدان صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی وجود دارد. ایالات متحده از نگرش سنتی استفاده می‌کند که به طور کلی توسط همه سیستم‌های حقوقی مورد تبعیت قرار گرفته است. خواننده می‌تواند این دفاع را در دادرسی اصلی یا در فرایند شناسایی مطرح نماید و به تصمیم نامطلوب در مرحله تجدیدنظر اعتراض کند و در نهایت در پی بازنگری در دیوان عالی ایالات متحده باشد. در مقابل، در اتحادیه اروپا دادگاه محل شناسایی، صلاحیت دادگاه اول (صادر کننده رأی) را مورد بازنگری قرار نمی‌دهد. اعتراض به صلاحیت آن دادگاه باید در همان دادگاه مطرح شود (به جز در موارد معین که متضمن حمایت از طرف ضعیف‌تر رابطه حقوقی است) و تجدیدنظرخواهی باید در موارد لزوم در همان کشور عضو اقامه شود. بازنگری نهایی توسط دیوان دادگستری اتحادیه اروپا انجام می‌شود؛ بنابراین، سیستم اتحادیه اروپا بسیار مضیق‌تر از ایالات متحده است. این سیستم خواننده را به ایراد صلاحیت در دادگاه صادرکننده رأی ملزم می‌نماید و برخلاف حقوق ایالات متحده به خواننده اجازه نمی‌دهد تا در دادرسی اول حضور نداشته باشد و بعد از آن ایراد عدم صلاحیت را به‌عنوان یک دفاع در مقابل شناسایی رأی غیابی در کشور محل شناسایی مطرح کند. این قاعده ممکن است برای خواننده بسیار سخت به نظر برسد؛ اما باید آن را در چهارچوب مقررات حمایت از خواننده در اتحادیه اروپا مورد توجه قرار داد. این مقررات ابلاغ واقعی به خواننده را در موقعیتی که فرصت کافی برای دفاع داشته باشد، الزامی می‌دانند (Hay, 2018: 108).

۲-۳. صلاحیت در کنوانسیون ۲۰۱۹ لاهه

شناسایی و اجرای آرای قضایی خارجی تحت عنوان پروژه احکام^۲ در کنفرانس لاهه راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی از سال ۱۹۹۲ موضوع مذاکرات چندجانبه بوده است. هدف کنفرانس لاهه کار بر روی یکنواختی بیشتر قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی و تلاش برای دنیایی است که در آن اشخاص و شرکت‌ها بتوانند از درجه بالایی از امنیت حقوقی برخوردار باشند. در طی مذاکرات

the Commission pursuant to point (a) of Article 76(1) shall not be applicable as against the persons referred to in paragraph 1.”

1. “If the defendant is not domiciled in a Member State, the jurisdiction of the courts of each Member State shall, subject to Article 18(1), Article 21(2) and Articles 24 and 25, be determined by the law of that Member State.”

2. Judgments Projects

کنفرانس لاهه محققان به این نتیجه رسیدند که یکنواختی قواعد صلاحیت بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و بر تهیه یک کنوانسیون ساده با هدف تضمین شناسایی آرای خارجی در سطح جهان‌شمول تمرکز نمودند که صرفاً قواعد صلاحیت غیرمستقیم را در بر می‌گیرد (Van Lith, 2009: 14-18). بعد از کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه درباره توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه، پروژه احکام دوباره از طریق کمیسیون خاص کنفرانس لاهه به حرکت درآمد و متن کنوانسیون جدید درباره شناسایی و اجرای احکام در امور مدنی و تجاری در سال ۲۰۱۹ در یک کنفرانس دیپلماتیک مورد تصویب قرار گرفت. بند یک ماده ۴ هر کشور متعاهد را به شناسایی و اجرای احکام کشورهای متعاهد دیگر ملزم می‌کند و عدم شناسایی را تنها بر اساس مبانی مصرح در کنوانسیون اجازه می‌دهد. این کنوانسیون بر ایجاد یک «صافی صلاحیتی»^۱ مبتنی است. فیلترها یا صافی‌های صلاحیتی معیارهای بازنگری در صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی برای شناسایی آرای خارجی هستند (Feldman, 2014: 2192). بند یک ماده ۵ فهرستی از قواعد سیزده‌گانه مجاز برای صلاحیت غیرمستقیم مقرر داشته است که یک رأی خارجی ابتدا برحسب آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین دادگاه محل شناسایی به‌طور غیرمستقیم، مبنای صلاحیتی که دادگاه صادرکننده رأی، صلاحیت خود را بر آن بنا نهاده است، مورد بازرسی قرار می‌دهد. اگر یکی از قواعد صلاحیت احراز شود، رأی صادره می‌تواند بر طبق کنوانسیون به گردش درآید و تابع مجموعه‌ای از قواعد عدم شناسایی قرار گیرد که به‌طور کلی در بیشتر سیستم‌های حقوقی یکسان است. این قواعد که به موانع شناسایی موسوم هستند شامل ملاحظات از قبیل تقلب، صدور آرای معارض و نظم عمومی است.^۲

بند یک ماده ۵ نقش اساسی در ساختار کنوانسیون دارد و احتمالاً دغدغه اصلی برای هر دولتی در زمان تصویب این کنوانسیون است. بنابراین لازم است مزایا و معایب آن به دقت مورد بررسی قرار گیرد. ماده پنج این کنوانسیون متضمن لیست جامعی از همه قواعد صلاحیت است و تلاش شده است تا همه قواعد صلاحیت تحت پوشش قرار گیرد. به‌علاوه در ماده ۱۶ به کشورهای متعاهد اجازه داده است تا در خارج از موارد مقرر در کنوانسیون نیز بر طبق حقوق داخلی خود به شناسایی احکام خارجی بپردازند. کنوانسیون مانند سایر اسناد حقوق نوشته در سیستم رومی ژرمنی دارای قابلیت پیش‌بینی است و هر شخصی با توجه به فهرست قواعد مقرر در بند یک ماده ۵ می‌تواند از تحقق این

1. Jurisdictional Filters

2. Convention of 2 July 2019 on the Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Civil or Commercial Matters, <https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/full-text/?cid=137>

شرط برای شناسایی اطمینان حاصل کند. به علاوه مدل کنوانسیون یک مدل غالب برای شناسایی احکام خارجی در سرتاسر دنیاست. انطباق با سیستم حقوقی رایج، یک مزیت آشکار برای اجرای کنوانسیون در آینده است. در مذاکرات لاهه، اتحادیه اروپا حامی اصلی این نگرش بود و بسیاری از مقررات را هماهنگ با حقوق اتحادیه اروپا پیشنهاد کرد (Brand, 2019: 20).

اما سیستم کنوانسیون دارای معایبی در سوی مقابل نیز هست. اولین مورد خطر انسداد یا عدم امکان به روزرسانی قواعد این معاهده است.^۱ قواعد صلاحیت غیرمستقیم مقرر در کنوانسیون فقط در وضعیت‌هایی که امروز با آن مواجه هستیم، جامع است به دلیل پویایی تجارت بین‌المللی و فرایند سریع تغییرات در مفاهیم، روش‌ها و ابزارهای فنی دور از ذهن نیست که قواعد صلاحیت دیگری به‌طور گسترده پذیرفته شود. این خطر تنها می‌تواند با اصلاح معاهده مرتفع گردد. فرایند اصلاح معاهده مخصوصاً اگر کشورهای متعدده بسیار باشند، دشوار است. همچنین ممکن است این کنوانسیون در دادگاه‌های ملی کشورهای مختلف در معرض تفسیرهای متعارض و پیچیده قرار گیرد و به این ترتیب قابلیت پیش‌بینی به‌عنوان یکی از آرمان‌های کنوانسیون تحت تأثیر قرار گیرد. برخلاف برخی مقررات منطقه‌ای از قبیل مقررات اتحادیه اروپا هیچ مرجع نهایی واحدی برای ایجاد یک تفسیر الزام‌آور وجود ندارد. دادگاه‌های هر کشور احتمالاً تابع تمایلات ملی‌گرایانه هستند که قابلیت پیش‌بینی و یکنواختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی دیگر از معایب این کنوانسیون حمایت از سیستم‌های تبعیض‌آمیز است. کنوانسیون از طریق ایجاد دسته خاصی از قواعد صلاحیت غیرمستقیم در بند یک ماده ۵، تداوم تبعیض در فرایند شناسایی احکام را اجازه می‌دهد. در اثر اعمال کنوانسیون قواعد صلاحیتی غیرمستقیم می‌تواند بسیار محدودتر از قواعد صلاحیتی مستقیم باشد که توسط دولت‌ها برای دادگاه‌های خود در وضعیت مشابه اعمال می‌شود. این وضعیت به دولت‌ها اجازه می‌دهد که استفاده از مبانی افراطی و غیرمتعارف مانند صلاحیت عبوری علیه خواندگان خارجی در دادگاه‌های داخلی خود را ادامه دهند. در حالی که از شناسایی و اجرای احکام صادره در کشور خارجی بر همان مبنا خودداری می‌کنند (Brand, 2019: 22).

نتیجه

صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یکی از شرایط اصلی برای شناسایی احکام خارجی در سیستم‌های حقوقی مختلف است. این نوع از صلاحیت به‌عنوان صلاحیت غیرمستقیم بر طبق قواعد کشور محل شناسایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اما مهم‌ترین اختلاف در خصوص قلمرو و

1. The risk of locked-in treaty text

مصادیق صلاحیت دادگاه خارجی است. در برخی کشورها از جمله آلمان و ایالات متحده قلمرو صلاحیت بین‌المللی دادگاه خارجی همانند دادگاه‌های داخلی است. اما در برخی دیگر از جمله انگلیس در مقایسه با صلاحیت بین‌المللی دادگاه داخلی، قلمرو بسیار مضیقی برای صلاحیت دادگاه خارجی قائل هستند. به نظر می‌رسد بسیاری از دولت‌ها از تحدید صلاحیت دادگاه خارجی یا ایجاد صلاحیت انحصاری برای دادگاه داخلی مخصوصاً با استفاده از معیار تابعیت به‌عنوان ابزاری برای حمایت از اتباع داخلی استفاده کرده‌اند. اما امروزه دولت‌ها منافع خود و شهروندان خود را در هم‌گرایی بیشتر و احترام به صلاحیت و رأی دادگاه خارجی یافته‌اند و از بسیاری صلاحیت‌های انحصاری که برای خود قائل بوده‌اند به نفع یکنواخت‌سازی و پذیرش صلاحیت برای سایر کشورها صرف‌نظر کرده‌اند.

در اتحادیه اروپا در مقررات بروکسل یک‌الف صراحتاً قواعد صلاحیت مستقیم احصا شده است و همین قواعد در مقام ارزیابی صلاحیت در هنگام شناسایی رأی دادگاه خارجی مورد توجه قرار می‌گیرد. در کنوانسیون ۲۰۱۹ لاهه نیز مصادیق صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی که در هنگام شناسایی مورد بازبینی قرار می‌گیرد، به‌طور دقیق احصا شده است. مزیت بزرگ این مقررات در ایجاد قطعیت و قابلیت پیش‌بینی برای اصحاب دعوی و مخصوصاً محکوم‌له در دعاوی دارای عنصر خارجی است و از این حیث می‌تواند برای اصلاح حقوق کشور ما نیز مورد استفاده قرار گیرد. در حقوق ایران از یک سو جز در چند معاهده دوجانبه مصادیق صلاحیت غیرمستقیم در مقطع شناسایی آرای خارجی مشخص نشده و حتی اصل ضرورت صلاحیت دادگاه خارجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شرایط شناسایی مغفول مانده است. از سوی دیگر گستره و مصادیق صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران به‌عنوان یکی از مصادیق عدم شناسایی رأی دادگاه خارجی در قانون تصریح نشده و لذا انبوهی از اختلاف‌نظرها در این زمینه در دکتترین ایجاد شده است.

ضرورت صلاحیت قضایی به‌عنوان یک صافی برای جلوگیری از شناسایی آرای نامطلوب همچنان ضروری است. اما لازم است فاصله میان قواعد صلاحیت مستقیم و صلاحیت غیرمستقیم (در مقام شناسایی و اجرای احکام خارجی) برداشته شده و در هر دو مقطع در جهت احراز صلاحیت دادگاه داخلی یا شناسایی صلاحیت دادگاه خارجی از قواعد یکسانی استفاده شود. با وجود سازوکارهای اطمینان‌بخش همانند ملاحظات نظم عمومی اتخاذ طرز تلقی دارای انعطاف بیشتر نسبت به شناسایی احکام خارجی مناسب‌تر است. در یک جهان دارای میزان رو به‌تزايد از ارتباطات فرامرزی، لازم است که آرای قضایی نیز فرامرزی باشد. در جهت تحقق این مقصود، بیشتر کشورها باید قواعد شناسایی و اجرای خود را تعدیل نمایند تا با میزان بالاتری از پذیرش آرای

خارجی منطبق گردد.

در نتیجه، بی تردید بهترین وضعیت جایی است که هر دولتی تنها تا آن میزان ادعای صلاحیت نماید که صلاحیت دادگاه‌های خارجی را در مقام شناسایی و اجرا می‌پذیرد. اما این وضعیت ایده‌آل در سطح جهان شمول احتمالاً تنها در جایی امکان تحقق دارد که به شکل یک توافق بین‌المللی، قواعد صلاحیت برای دادرسی مستقیم با قواعد صلاحیت برای شناسایی و اجرا یکنواخت شود.

منابع

فارسی

- ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۹۴)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ارفع نیا، بهشید (۱۳۸۳)، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بهتاب.
- الماسی، نجادعلی (۱۳۶۹)، «شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق فرانسه، انگلیس و آمریکا»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۲۵، شماره ۱۱۶۱.
- بهمنی، محمدعلی و احسان صلحی (۱۴۰۰)، «چالش‌های شناسایی و اجرای موافقت‌نامه‌های داوری در چهارچوب ماده ۲ کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸»، مجله حقوق دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
- سلجوقی، محمود (۱۳۸۵)، حقوق بین الملل خصوصی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- شریعت‌باقری، محمدجواد (۱۳۹۶)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۸)، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- غمامی، مجید و علی اصغر صانعیان (۱۳۹۹)، «اعتبار قرارداد انتخاب دادگاه در حقوق بین الملل خصوصی و تاثیر آن بر شناسایی و اجراء آراء خارجی»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۴، شماره ۱۱۰.
- کریم‌کاشی آرانی، رضا (۱۳۹۰)، «شرایط اجرای حکم خارجی بر مبنای امر مختوم»، دو فصلنامه حقوق خصوصی دانشگاه فارابی، دوره ۸، شماره ۱۸.
- مافی، همایون و رشید ادبی فیروزجایی (۱۳۹۳)، «صلاحیت دادگاه‌های ایران در حقوق بین الملل خصوصی»، نشریه دانش حقوق مدنی، شماره ۲.
- مافی، همایون و نسیمه قادری (۱۳۹۱)، «شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران»، ارج نامه دکتر الماسی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

انگلیسی

- Balan Violeta, (2003), "Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in the United States: The Need for Federal Legislation", **The John Marshall Law Review**, Volume 37, Issue 1.
- Brand Ronald, (2019), "The Circulation of Judgments under the Draft Hague Judgments Convention", **University of Pittsburgh School of Law 3900 Forbes Avenue Pittsburgh, Pennsylvania 15260-6900**, Electronic copy available at:
<https://ssrn.com/abstract=3334647>, pp.1-36, last visited 10/2/2020
- Feldman Audrey, (2012), "Rethinking Review of Foreign Court in Light of The Hague Judgments Negotiations", **New York Law Review**, Volume 89: 2190.
- Hartley Trevor, (2009), **International Commercial Litigation**, Cambridge University Press
- Hay, Peter (2018), **Advanced Introduction on Private International Law and Procedure**, Elgar Publications.
- Kessedjian Catherine (1998), **Synthesis of the Work of the Special Commission of March 1998 on International Jurisdiction**, Available at:
www.hcch.net, Last Visited 1/5/2014

- L. Collins et al. (Eds) (2000), **Dicey and Morris on the Conflict of Laws**, 13 Th ed, London, sweet and Maxwell.
- Ralf Michaels (2016), **Jurisdiction, Foundations**, Forthcoming in Elgar Encyclopedia of Private International Law (Jürgen Basedow et al. Eds.) Duke Law School Public Law & Legal Theory Series No. 2016-53, Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2849467.
- Regan Justyna (2015), “Recognition and Enforcement of Foreign Judgments - A Second Attempt in The Hague?”, **Richmond Journal of Global Law & Business**, Volume 14, Issue 1.
- Strong S.I., (2014), “Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in U.S. Courts: Problems and Possibilities”, **Legal Studies Research Paper Series Research Paper**, No. 2013-18, available at: <http://ssrn.com/abstract=2313855>, Last visited 30/01/2020, pp.1-95
- Svanadze George (2009) “Recognition of US Money Judgments in Germany as a Model for Recognition of Foreign Judgments in Georgia”, **Bucerius master of law and business**, available at: <https://www.google.com/url?sa=t&rct=j&q=&esrc=s&source=web&cd=1&cad=rja&uact=8&ved=2ahUKEwim5NnEzPToAhVkQRUIHQyDC6MQFjAAegQIBxAB&url=http%3A%2F%2Fwww.gbv.de%2Fdms%2Fbul%2F631104895.pdf&usq=A0vVaw0eDLxqMLhWSTCZHklEeune>, Last visited 1/2/2020.
- Svantesson Dan Jerker (2007), **Private International Law and Internet**, Kluwer International Law.
- Van Lith Helene (2009), **International Jurisdiction and Commercial Litigation: Uniform Rules for Contract Disputes**, Asser Press, The Hague, The Netherlands.
- Von Mehren Arthur Taylor (1980), **Recognition and Enforcement of Foreign Judgment General Theory and the Role of Jurisdictional Requirements (1980- II)**, 167 Recueil des Cours, 35.
- Vischer, Frank (1992), **General Course on Private International Law at the Hague Academy of International Law (6-24 July 1992)**, Recueil des Cours Vol. 232 (1992) I.
- West Janke Benjamin (2012), “Enforcing Punitive Damage Awards in France after Fountaine Pajot”, **American Journal of Comparative Law**.
- Wautelet Patrick, 2008, “What Has Private International Private Law Achieved in Meeting the Challenges Posed by Globalization?”, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1138625>, pp.1-19, Last visited 1/11/2019.